

برنامه‌های بلندمدت اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در گفت‌وگو با جعفر همایی؛ سخنگوی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران

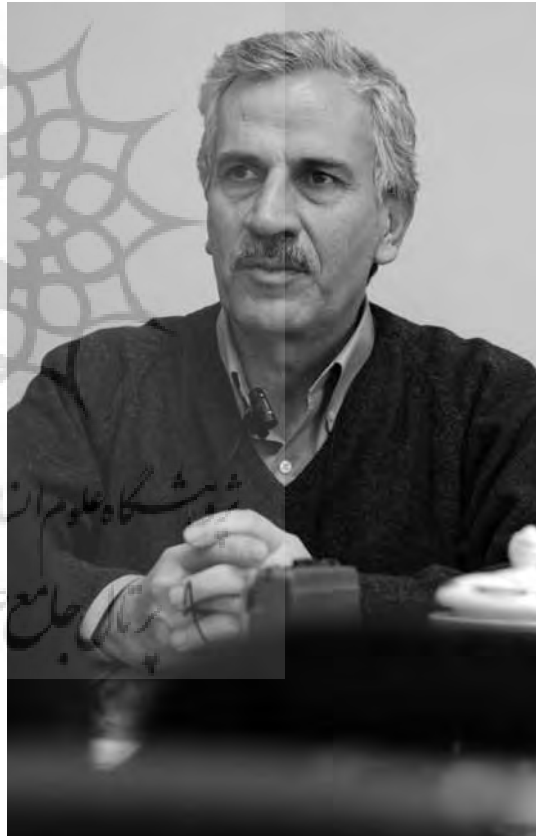
● بهروز فتحی

جعفر همایی مدیر نشر نی، از پیشکسوتان در عرصه تولید و ترجمه کتاب است. ایشان هم‌اکنون سخنگوی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران است. گفت‌وگوی حاضر، بازتابی از نظر اتحادیه درباره مسائل نشر کتاب در کشور و نمودار ساختن چشم‌انداز آینده است.

■ جناب همایی، به تازگی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به همراه شرکت تعاونی ناشران تهران، ۱۸ محور را برای بازنگری در سیاست‌های حمایتی و نظارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دولت پیشنهاد کردند، که البته این ۱۸ محور دستاورد برگزاری چندین نشست و نیز بررسی‌های کارشناسی بوده است. این محورها در بردارنده موارد نظارتی، حمایتی، اصلاح قوانین و مقررات، پشتیبانی‌های لازم برای ایجاد صندوق‌های ضمانت و صندوق اعتباری، مسائل کپی‌رایت و صادرات کتاب و به طور کلی ۱۸ محوری است که همه ابعاد نشر کتاب را در برمی‌گیرد. حال شما به عنوان یکی از بزرگترین و با سابقه‌ترین صنف در حوزه نشر کتاب کشور، چه میزان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری حوزه نشر کتاب سهیم و دخیل هستید؟

□ حضور نمایندگان صنف در قالب تشکل‌های صنفی و یا افراد حقیقی و حقوقی، به طور موردی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سابقه داشته است. بیشتر، معاونت فرهنگی و گاه وزرا، نمایندگان تشکل‌ها را دعوت می‌کردند و یا نمایندگان تشکل‌ها، خود به حضور این مدیران می‌رفتند و نظرات مشورتی ارائه می‌شد که تأثیرگذاری‌هایی نیز در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری وزارت داشته است. اما به صورت منسجم‌تر در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از چند ناشر نمونه کشور و نمایندگان تشکل‌های صنفی ناشران از جمله شرکت تعاونی و اتحادیه ناشران تهران، اتحادیه ناشران قم و بعدها اتحادیه ناشران شیراز و اتحادیه ناشران کتاب کودک دعوت کرد و شورایی به نام شورای مشورتی ناشران تشکیل شد.

در این شورا، در خصوص برخی امور مشورت می‌شد که مسئولیت جمع‌بندی مباحث آن به عهده مدیرکل مراکز و روابط فرهنگی بود. این شورا به مدت طولانی و هر هفته جلسهای تشکیل می‌داد، ولی نظرات شورا نقش مشورتی داشت نه مصوب. در یک دوره چند ساله نیز این نظرات در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها اثرگذار بوده و گاه این تأثیر به خوبی دیده می‌شد. البته این بدان معنی نبود که همه نظرات شورا مورد پذیرش قرار می‌گرفت و یا



«برنامه‌ها و دیدگاه‌های اتحادیه به سمت اقتصاد و بازار همسو با منافع ملی پیش می‌رود»

در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از چند ناشر نمونه کشور و نمایندگان تشکلهای صنفی ناشران از جمله شرکت تعاونی و اتحادیه ناشران تهران، اتحادیه ناشران قم و بعدها اتحادیه ناشران شیراز و اتحادیه ناشران کتاب کودک دعوت کرد و شورایی به نام شورای مشورتی ناشران تشکیل شد

پدیده خود ناشری در همه جای دنیا وجود دارد و عده‌ای از مردم کتاب‌هایشان را با هزینه شخصی خود منتشر می‌کنند. بنابراین ایرادی ندارد که کسی کتاب خودش را منتشر بکند، ولی در ایران گسترش بیشتری یافته که گاه به دلیل حمایت‌هایی است که دولت ارائه می‌کند

و بعد تصمیم‌گیری برای براساس شرایط، مصلحت و امکانات انجام پذیرد. در واقع، معاونت امور فرهنگی گام‌های بلندی در راستای مشارکت بخش‌های غیردولتی برداشته است و امیدواریم که میزان اثرگذاری این شورای مشورتی بیشتر شده و مشارکت به معنای واقعی شکل بگیرد.

■ شاید از مهم‌ترین مسائلی که در بازار نشر تأثیر فراوانی دارد، یارانه‌ها باشند. شما هم در محورهای ۱۸ گانه پیشنهادی خود، چند محور اصلی را به یارانه‌ها اختصاص دادید. اتحادیه و بسیاری از ناشران حرفه‌ای، حذف یارانه‌ها و انجام شیوه حمایتی جایگزین را پیشنهاد داده‌اند. یعنی شما اعتقاد دارید که روند کنونی پرداخت یارانه مناسب نیست و بایستی در شیوه اجرای آن بازنگری جدی صورت گیرد. حال، وضعیت آینده نشر کشور را در صورت ادامه روند کنونی پرداخت یارانه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ وضعیت کلی سیاست‌گذاری در کشور، به سمت حذف یارانه‌ها پیش می‌رود. در برنامه چهارم پیش‌بینی شده که یارانه‌ها حذف شوند و اگر یارانه‌ای به صورت ضرورت باقی می‌ماند، سمت و سوی آن به مصرف‌کننده تغییر باید.

در زمان جنگ، به دلیل بمباران کارخانه کاغذ پارس، مشکلات ارزی و محدودیت‌ها کشور، بازار کاغذ با بحران و رکود روبه‌رو شد. دولت به ناچار کاغذ را در ردیف کالاهای اساسی تعریف کرد و کاغذ با قیمت ترجیحی ارز وارد و به ناشران سهمیه داده می‌شد؛ بنابراین مثل بقیه یارانه‌ها، در کاغذ هم فساد و تخلفاتی صورت می‌گرفت.

در ادامه نیز برخی دیگر از سیاست‌های یارانه‌ای مثل بن کتاب و خرید کتاب از ناشران شکل گرفت. مشکلاتی هم در بازار کتاب و نشر ایجاد شد. ابتدا ناشران بسیاری با هدف‌گیری این یارانه‌ها، وارد عرصه نشر کشور شدند. بسیاری از اینان شغل اصلی، آشنایی و نیت نشر نداشتند، به ترتیبی که هم‌اکنون تعداد تولیدکنندگان کتاب در کشور، چند برابر تعداد توزیع‌کنندگان یا کتابفروشی‌هاست و این در هیچ جای دنیا سابقه ندارد. این نشانه بیماری است.

دو سال پیش در نمایشگاه کتاب تهران، حدود ۲۵۶ ناشر به همراه اتحادیه ناشران و کتابفروشان تبریز، شرکت تعاونی ناشران

همه تصمیم‌گیری‌های حوزه نشر در این شورا بررسی می‌شد، ولی شورای مشورتی در بسیاری از زمینه‌ها نظر می‌داد و برخی نظرات هم در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت. از جمله رویدادهای مهم در این دوره، واگذاری بخش چشمگیری از توزیع کاغذ به تشکلهای صنفی و شرکت تعاونی، واردات کاغذهای یارانه‌ای توسط شرکت‌های تعاونی ناشران و واگذاری اجزای بخش داخلی نمایشگاه بین‌المللی کتاب در چند سال پی‌درپی به همین تشکل‌ها بود. در سال اول، فقط تشکل‌ها در برگزاری و مدیریت سالن کمک می‌کردند، ولی در سال‌های بعد حتی نام‌نویسی و غرفه‌بندی سالن‌ها نیز توسط تشکل‌ها انجام می‌شد. از سال گذشته وزارت ارشاد، دوباره برگزاری همه بخش‌های نمایشگاه را به دست گرفت.

برخی برنامه‌ها بیشتر تصمیم‌گیری و در شورا بررسی می‌شد که در این مواقع نظرات شورا چندان اثرگذار نبود. از جمله طرح کتاب در دسترس که بیشتر تصمیم‌گیری‌های آن انجام شد و علیرغم مخالفت شورا و اتحادیه و خود ناشران با این طرح، به دلیل نپخته‌بودن و فسادپذیری و نیز متخصص نبودن مجری آن به اجرا گذاشته شده و در نهایت شکست خورد.

در حال حاضر نیز در چند ماه اخیر، شورایی در معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد تشکیل شد که چند جلسه از نماینده اتحادیه نیز دعوت کردند. در جلسه‌های دوره‌های پیش، مقداری از طرف نمایندگان و تشکل‌ها مطالباتی تر بود و ما آنجا می‌توانستیم بعضی از برنامه‌های درست را از وزارتخانه طلب کنیم، ولی جلسات کنونی، کمتر مطالباتی است. جلسات گذشته خیلی جدی و فعال بود. سال‌هاست که از مشارکت مردم در اداره امور کشور صحبت می‌شود و بهترین بستر مشارکت، نهادهای مدنی هستند، ولی از نهادهای پرسابقه، همین اتحادیه‌های صنفی هستند که به ریز جریانات و امور آگاه‌اند و می‌توانند کمک مؤثری در مشارکت‌دادن مردم باشند. پیشنهاد ما به شورای جدید این است که نقش نمایندگان بخش خصوصی و اتحادیه را جدی بگیرند و این مشورت‌ها را مبنای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی قرار دهند. اگر قرار باشد در امور نشر تصمیم‌گیری شود، بهتر است به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که مباحث از مسیر این شورا کارشناسی شود



به نظر ما مسئله کپی‌رایت بین‌المللی و صادرات کتاب، مشکل عمده ناشران کشور نیست. مشکل نشر ایران در زمینه کپی‌رایت و حقوق نشر، مشکل کپی‌رایت داخلی است. یعنی تا زمانی که قانون حمایت از نویسندگان، مصنفان و ناشران - که مصوب سال ۱۳۴۸ است - روزآمد و اجرا نشود، صحبت از کپی‌رایت بین‌المللی جایگاهی در بین ناشران و مؤلفان کشور ندارد

مانع از ایجاد کتابفروشی می‌شود و یا کتابفروشی با توجه به قیمت سرقتی و با سرمایه‌ای که درگیر آن کار است، در مقایسه با منافع آن، یا تعطیل می‌شود و یا تبدیل به یک فروشگاه نوشت‌افزار می‌شود. در طرح پیشنهادی - براساس قانونی که قابل تفسیر نباشد - به کسانی که می‌خواهند با هر سرمایه و بدون هزینه کردن بودجه عمومی و بیت‌المال و بدون پرداخت کاربری تجاری، کتابفروشی بازکنند اجازه داده شود. این کتابفروشی یک مکان چندمتری تا یک کتابفروشی با مساحت ۵۰۰ متر یا بالاتر را دربر می‌گیرد، ولی وقتی کاربری تجاری به آن تعلق نگیرد، امکان سرمایه‌گذاری در کتابفروشی بالا رفته و افزایش مشارکت بخش خصوصی را به دنبال دارد. مثل داروخانه که در هر گوشه و کنار، یک دکتر داروساز با سرمایه معقولی داروخانه تأسیس کرده است.

این روش، هیچ باری بردوش ملت نمی‌گذارد، از بودجه عمومی دولت و بیت‌المال استفاده نمی‌کند، جلوی هرگونه رانت را می‌گیرد، شخص خاصی این امکان را تقسیم نمی‌کند و همه مردم می‌توانند از این امکان بهره‌مند شوند و هیچ فساد دیگری هم برای آن قابل تصور نیست.

■ با توجه به اهمیت و نقش یارانه توسعه یا توسعه نیافتگی حوزه نشر کتاب، آیا اتحادیه، سیاست‌های حمایتی جایگزین دیگری را بررسی و پیشنهاد کرده است؟

□ بله. بعضی از دیگر سیاست‌های حمایتی جایگزین، از وظایف اصلی دولت‌هاست. مثلاً، دسترس‌پذیر کردن کتاب. این حق هر شخص همه جای نقاط کشور است که به کتاب دسترسی داشته باشد. یکی از نیات دولت برای پرداخت یارانه به کتاب، تولید ارزان کتاب برای خرید همگان است.

حال اگر دولت با یارانه‌هایی که نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان و یا بیشتر در هر سال در حوزه نشر اعطا می‌کند، کتابخانه در سراسر کشور ایجاد کند - از جمله کتابخانه‌های عمومی شهری و روستایی، کتابخانه‌های مساجد، مدارس و دانشگاه‌ها - هر شخصی در هر کجا و با توجه به نیاز خود، می‌تواند به‌طور رایگان از آن کتاب‌ها بهره‌مند شود. همچنین دولت پس از تأسیس کتابخانه‌های عمومی، باید از همین یارانه، کتابخانه‌ها را تجهیز کند. عادلانه‌ترین و منطقی‌ترین

آذربایجان شرقی و شرکت تعاونی ناشران تهران بیانیه‌ای را تهیه و امضاء کردند و از دولت درخواست کردند تا یارانه کاغذ حذف شود. بحث جایگزین یارانه از سوی وزارت ارشاد مطرح شد. همکاران ناشر بحث‌های فراوانی داشتند. اتحادیه، مخالف هرگونه یارانه از سوی دولت است. این مخالفت به معنی حمایت نکردن یا عدم لزوم حمایت دولت از فرهنگ نیست، چنانچه در همه جای دنیا، دولت‌ها به گونه‌های مختلف از فعالیت‌های فرهنگی و هنری حمایت می‌کنند؛ بلکه سیاست‌های حمایتی باید به گونه‌ای طراحی شود که همسو با منافع ملی باشد، بخشی‌نگر نباشد، قابل تبدیل به رانت نباشد، شرایط رقابت را به هم نزند و تا آنجا که ممکن است به صورت قانون تعریف شود. نمونه‌های موفق و سالم و درست حمایت‌های دولت که موجب توسعه یک بخش می‌شود، قانون معافیت مالیاتی تولیدکنندگان فرهنگ و هنر و از جمله ناشران بوده است که در سال ۱۳۸۰ به تصویب رسید.

این یک روش کمکی بسیار خوب و عالی است که هر ناشری بیشتر فعالیت داشته باشد، بیشتر می‌تواند از این امکان برخوردار شود و هر کسی فعال نباشد، به هیچ وجه از آن بهره‌مند نیست؛ با همین قانون، جذب سرمایه در حوزه نشر را افزایش می‌دهد.

یکی از طرح‌های کارشناسی شده، طرح کاربری فرهنگی است که در ماه‌های اخیر توسط اتحادیه تهیه شد. این طرح به دنبال افزایش ویتترین یا مراکز عرضه کتاب است. سال‌هاست مطرح می‌شود که مراکز عرضه کتاب در کشور به اندازه کافی وجود ندارد، نهادهای مختلفی در پی رفع این مشکل بودند؛ ولی طرح‌هایی که تاکنون اجرا شده از جمله طرح ایجاد فروشگاه‌های بزرگ شهر کتاب، فقط به تعداد محدودی و در مراکز محدود اتفاق افتاده است و امکاناتی ملی در اختیار عده‌ای محدود قرار می‌گیرد و این با عدالت همخوانی ندارد.

■ لطفاً درباره طرح کاربری فرهنگی که یکی از طرح‌های جایگزین شما در شیوه تخصیص یارانه‌های دولتی برای حوزه نشر است، بیشتر توضیح دهید؟

□ در این طرح ابتدا بررسی شد که چرا در کشور تعداد کتابفروشی پایین است. نتیجه اینکه هزینه راه‌اندازی کتابفروشی با توجه به سود متعارفی که از آن بدست می‌آید، بزرگترین مانع به شمار می‌آید. یعنی در مقایسه با دیگر مشاغل صرفه اقتصادی ندارد. این هزینه بالا، یا

**یکی از طرح‌های کارشناسی
شده، طرح کاربری فرهنگی
است که در ماه‌های اخیر توسط
اتحادیه تهیه شد. این طرح به
دنبال افزایش ویتترین یا مراکز
عرضه کتاب است**

ترجیحی است. این کمک‌ها هم در کاهش قیمت کتاب تأثیر دارد و هم مشوق خوبی برای جذب سرمایه بخش خصوصی می‌شود. این روش یک جهت قضیه است. اما اینکه چه تأثیری بر کتابخوانی می‌گذارد، پیشنهاد این است که یارانه‌ها به سمت مصرف‌کننده جهت داده شود و این در قانون برنامه چهارم نیز آمده است. این هدف‌گذاری لزوماً به این معنی نیست که کتاب ارزان به دست کسی برسد، بلکه به این معنی است که کتاب در دسترس قرار بگیرد. در جهت حمایت از مصرف‌کننده و ارتقای سطح کتابخوانی، بهترین روش، افزایش و تجهیز کتابخانه‌های کشور است.

بنابراین با این روش‌های جایگزین هم کتابفروشی‌ها افزایش می‌یابد و هم اینکه کتاب به راحتی و با کمترین هزینه در اختیار آنها که قدرت خرید ندارند قرار می‌گیرد و هم یارانه به سمت مصرف‌کننده هدایت شده و از هرگونه رانت و فساد جلوگیری می‌شود.

■ چنانچه آگاه هستید، حضور ناشران ایرانی در بازار جهانی کتاب، بسیار کم‌رنگ است. عضو نبودن در پیمان‌های بین‌المللی از جمله کمی‌رایت یکی از این مشکلات ماست. مشکل ترجمه متون فارسی به متون دیگر سبب شده که ما در عرصه صادرات کتاب در سطح دنیا بسیار پایین باشیم. اتحادیه ناشران و کتابفروشان، در برنامه‌های آینده خود در زمینه کمی‌رایت، صادرات کتاب چه برنامه‌ها و بررسی‌هایی انجام داده و یا اینکه چه پیشنهادی راهبردی برای مسئولان فرهنگی ارائه می‌دهد؟

□ به نظر ما مسئله کمی‌رایت بین‌المللی و صادرات کتاب، مشکل عمده ناشران کشور نیست. مشکل نشر ایران در زمینه کمی‌رایت و حقوق نشر، مشکل کمی‌رایت داخلی است. یعنی تا زمانی که قانون حمایت از نویسندگان، مصنفان و ناشران - که مصوب سال ۱۳۴۸ است - روزآمد و اجرا نشود، صحبت از کمی‌رایت بین‌المللی جایگاهی در بین ناشران و مؤلفان کشور ندارد. کارآمد شدن قوه قضاییه برای صنف نشر کشور هم بسیار مهم و حساس است. به دلیل پرهزینه بودن، زمان‌بر بودن و اینکه بعضی دعاوی حقوقی به نتیجه روشنی نمی‌انجامد، بسیاری از ناشران حتی کتاب‌هایی را

شیوه تجهیز کتابخانه این است که هر کس کتاب مورد نظرش را از کتابخانه محل خود درخواست کند و آن کتابخانه موظف باشد با پولی که در اختیار دارد، کتاب‌های موردنیاز و درخواست مخاطبان را خریداری کرده و عرضه کند. این شیوه در بسیاری از کشورها رایج است.

این جایگزین‌ها منطبق با قانون برنامه چهارم است که در آن دولت را موظف کرده که یارانه‌های بخش فرهنگ و هنر را با جهت‌دادن از تولیدکننده به مصرف‌کننده، با اولویت کودکان و دانش‌آموزان و دانشجویان، ساماندهی کند. این طرح‌ها و پیشنهادها در همین راستا ارائه شده است.

ساماندهی و جهت‌دهی یارانه‌ها به سمت مصرف، تنها به معنای خرید کتاب توسط مصرف‌کننده نیست که به صورت بن کتاب ارائه شود. بن کتاب هم رانت‌ها و فساد زیادی را به همراه دارد. سابقه رانت‌خواری و فساد بن کتاب از دیگر شیوه‌های پرداختی یارانه‌ها نیز بیشتر است؛ چون که بن کتاب با یک واسطه به پول تبدیل می‌شود و چه بسیار بن‌های کتابی که به کتاب تبدیل نمی‌شوند. در واقع بن کتاب یک سند قابل تبدیل به پول است و ممکن است در مسیر فاسد شود، به این معنا که ارزش خود را در تاریخ مورد نظر از دست بدهد. پیشنهاد ما، هم نیاز مصرف‌کننده را با کمترین بودجه در نظر دارد و هم خرید عادلانه کتاب از ناشر را به همراه دارد، چون که خرید کتاب با این طرح در نقطه مصرف، تعیین و مشخص می‌شود، نه اینکه عده‌ای بنشینند و تشخیص بدهند که چه کتابی برای کتابخانه‌های عمومی مناسب است و فقط از همان کتاب خریداری کنند.

■ درباره طرح کاربری فرهنگی به نظر می‌رسد که تعداد کتابفروشی‌ها افزایش می‌یابد، کتاب در دسترس راحت‌تر مردم قرار می‌گیرد و در نهایت، مردم می‌توانند کتاب‌های مورد نیاز خود را در محله خود و در سریع‌ترین زمان به دست آورند. از سوی دیگر، به دلیل حذف عوارض کاربری تجاری، رغبت بخش خصوصی برای ایجاد کتابفروشی افزایش می‌یابد. پرسش این است که این روش، چه کمکی به مردم می‌کند؟ با حذف یارانه، قیمت کتاب افزایش می‌یابد. همان‌طور که می‌دانیم، یکی از دلایل مهم رکود بازار نشر، نخریدن کتاب توسط مردم است، به دلیل اینکه همواره تولیدات فرهنگی و هنری در اولویت چندم خانوار قرار می‌گیرد. حال با این شیوه عملاً مردم کتابخوان - که بیشتر طبقه متوسط جامعه را تشکیل می‌دهند - با گران شدن کتاب روبه‌رو شده و قدرت خرید خود را از دست می‌دهند؟

□ حذف یارانه، درخواست ناشران حرفه‌ای و جدی است و هم قانون برنامه چهارم و مصوبه شورای اقتصاد خواستار حذف یارانه‌ها و جهت‌دهی آن است. حذف یارانه، افزایش قیمت کتاب را به دنبال دارد. اما پیشنهاد ما درباره رویکرد دولت است. دولت همیشه یک جنبه حمایتی از بخش فرهنگ داشته و در بیشتر اکثر دولت‌ها اتفاق می‌افتد. پیشنهاد این است که این حمایت‌ها از فرهنگ، عام باشد و قابل تبدیل به رانت نباشد. بنابراین جایگزین‌هایی که پیشنهاد دادیم این ویژگی‌ها را دربر می‌گیرد. سیاست‌های حمایتی دولت در راستای حذف مالیات، حذف کاربری، حذف بعضی از تعرفه و یا تعریف تعرفه‌های جدید

در زمان جنگ، به دلیل بمباران کارخانه کاغذ پارس، مشکلات ارزی و محدودیت‌ها کشور، بازار کاغذ با بحران و رکود روبه‌رو شد. دولت به ناچار کاغذ را در ردیف کالاهای اساسی تعریف کرد و کاغذ با قیمت ترجیحی ارز وارد و به ناشران سهمیه داده می‌شد؛ بنابراین مثل بقیه یارانه‌ها، در کاغذ هم فساد و تخلفاتی صورت می‌گرفت

■ شاید مهم‌ترین مشکل حوزه نشر، توزیع باشد. هم‌اکنون مراکز عرضه فروش کتاب به صورت خرده‌فروشی در کشور به حداقل رسیده و آن مقدار هم فروش نوشت‌افزار را جایگزین کرده‌اند. اتحادیه برای حل مشکل توزیع کتاب در کشور چه پیشنهادها و برنامه‌هایی را بررسی کرده است.

□ نخست باید مطلبی روشن شود و آن اینکه عده‌ای معتقدند مافیای توزیع کتاب در کشور وجود دارد. مافیا در جایی شکل می‌گیرد که از لحاظ اقتصادی سود فراوانی به همراه داشته باشد، مثل مافیای آهن و یا مافیای نفت در حوزه نشر چنین تعامل اقتصادی وجود ندارد که بخواهد مافیای توزیع ایجاد شود. اما در زمینه مشکل توزیع، ضمن اینکه همان طرح پیش‌گفته مبنی بر کاربری فرهنگی برای افزایش کتابفروشی‌ها و رفع معضل توزیع کتاب به‌طور جدی پیشنهاد می‌شود، باید گفت که متأسفانه یکی از تأثیرات یارانه که به صورت کنونی پرداخت می‌شود، کاهش قیمت کتاب است. کاهش قیمت کتاب، سبب پایین آمدن سود توسط کتابفروشی‌ها می‌شود. در واقع درصد پشت‌جلدی کتابفروش که از فروش هر نسخه کتاب دریافت می‌کند - به دلیل پایین بودن قیمت کتاب ناشی از دریافت یارانه - اندک است و حاشیه سود آن ناچیز است. به این ترتیب کتابفروش نه تنها از پرداخت روش کنونی یارانه‌ها بهره‌مند نمی‌شود بلکه همواره زیان هم می‌کند. با حذف یارانه، حاشیه سود برای کتابفروش نیز افزایش می‌یابد.

توزیع درباره همه کالاهای زمانی شکل می‌گیرد که عرضه و تقاضا به خوبی همدیگر را قطع می‌کنند. چطور بستنی بدون اینکه شبکه توزیع خاصی برای آن تعریف شود، به همه جای کشور توزیع می‌شود؛ برای اینکه عرضه و تقاضا در یک نقطه به یکدیگر می‌رسند. در این زمینه دولت کمترین دخالت را دارد که طبیعی است. ولی در حوزه نشر، دخالت دولت کمترین دخالت را دارد که طبیعی است. ولی در نمایشگاه‌های کتاب در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها. این نمایشگاه‌ها دخالت دولت در عرصه توزیع نشر کشور است که به شیوه طبیعی و سنتی توزیع لطمه فراوانی وارد می‌کند. ما در مراکز استان‌ها و بسیاری از شهرستان‌ها کتابفروشی اندکی داریم؛ برگزاری یک نمایشگاه استانی یا شهرستانی در یک شهرستانی که ممکن است دست‌کم ۳ کتابفروشی حرفه‌ای وجود داشته باشد، با ورود یک تعداد کتاب

که توسط کسان دیگر قاچاق می‌شود پی‌گیری نمی‌کنند. زمانی که برای پیگیری یک پرونده حقوقی در زمینه نشر در دادگاه‌ها سپری می‌شود آنقدر خسته‌کننده و پرهزینه است که پیگیری آن اصلاً به صرفه نیست همچنین سیستم قضایی برای این موضوع دارای ساختار مناسبی نیست و پیگیری یک موضوع و حصول نتیجه سبب جلوگیری از این تخلفات نمی‌شود. در این بین، اتحادیه فقط در حد یک هیئت حل اختلاف می‌تواند عمل بکند و قدرت اجرایی چندانی ندارد. قوه قضاییه باید محاکمی خاص برای حوزه نشر ایجاد کند که تخصص لازم را داشته باشند و زمان زیادی صرف پیگیری و بررسی نشود. بنابراین هم‌اکنون مشکل بزرگ نشر کشور در حوزه حقوقی، ضعف دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده‌های حقوقی حوزه نشر و نیز ضعف وزارت ارشاد در روزآمدسازی و اجرای درست قانون سال ۱۳۴۸ است که ما می‌خواهیم اینها اصلاح شوند.

■ خود اتحادیه چه برنامه‌ها و طرح‌هایی در زمینه اجرای کپی رایب داخلی ارائه داده است؟

□ هم‌اکنون اتحادیه طی نشست‌هایی از همکاران خواسته است برای مواردی که کتابی قاچاق می‌شود، حتماً پرونده تشکیل دهند و مستندات را جمع‌آوری کنند و طرح دعوی کنند. در واقع متخلفان نباید فکر کنند که هر کاری دلشان بخواهد می‌توانند انجام دهند. حجم چشمگیری از کتاب‌هایی که در کشور بصورت قاچاقی چاپ می‌شود، کتاب‌های ناشران دولتی است. به دلیل اینکه بیشتر این ناشران کتاب‌های دانشگاهی و کمک‌آموزشی منتشر می‌کنند و برای قاچاق کالاهای کاربردی مثل کتاب‌های مرکز نشر دانشگاهی به صرفه‌تر است. یکی دیگر از دلایل عمده قاچاق کتاب‌های این ناشران، این است که آنها کتاب‌های خود را ارزان تهیه می‌کنند و مورد مصرف دانشگاهیان است. از سوی دیگر، ناشران دولتی به قاچاق کتاب‌های خود چندان حساس نبوده و موضوع را دنبال نمی‌کنند. بهتر است که این ناشران پیگیر باشند و موضوع را رها نکنند.

آن دسته از دعاوی که در هیئت حل اختلاف رسیدگی می‌شود، اگرچه قدرت اجرایی ندارد، ولی رأی صادرشده در دادگاه مورد قضاوت قرار می‌گیرد و کمک فراوانی به ناشران در رسیدگی به دعاوی ارائه می‌کند. اتحادیه آمادگی ارائه نظرات کارشناسی و فنی و تخصصی حوزه نشر به دادگاه‌ها را دارد.



ساماندهی و جهت‌دهی یارانه‌ها به سمت مصرف، تنها به معنای خرید کتاب توسط مصرف‌کننده نیست که به صورت بن کتاب ارائه شود. بن کتاب هم رانت‌ها و فساد زیادی را به همراه دارد. سابقه رانت‌خواری و فساد بن کتاب از دیگر شیوه‌های پرداختی یارانه‌ها نیز بیشتر است؛ چون که بن کتاب با یک واسطه به پول تبدیل می‌شود و چه بسیار بن‌های کتابی که به کتاب تبدیل نمی‌شوند

استفاده از یارانه و یا دریافت وام ارزان قیمت یا خرید کتاب به این عرصه یا گذاشتند. دادن مجوز نشر، هیچ‌گونه تعهدی برای دولت و برای اتحادیه ایجاد نمی‌کند. از سوی دیگر، براساس قانون، هر فردی آزاد است شغل خودش را خودش انتخاب کند، یعنی تمام ۷۰ میلیون نفر ایرانی طبق قانون می‌توانند ناشر شوند.

کسانی که مجوز نشر گرفته‌اند و در هر سطحی که کار می‌کنند، به هر حال یک بخشی از مسیر را باید طی کرده و به این نتیجه رسیده باشند که باید ناشر شوند، برای نمونه سابقه کار، علاقه‌مندی یا مطالعه در زمینه نشر داشته باشند، درحالی که اتحادیه هدف‌های آموزشی را مانند گذشته دنبال می‌کند. تاکنون چند دوره کلاس‌های آموزشی ویژه در عرصه‌های ویراستاری، مدیریت و نشر تشکیل داده و در نظر دارد در آینده نیز این دوره‌ها را ادامه بدهد. همچنین در حال برنامه‌ریزی هستیم تا با کمک بخش‌هایی از دولت مثل وزارت علوم، آموزش و پرورش و یا وزارت ارشاد، پیشنهاد بدهیم تا دوره‌های آموزشی رسمی نشر مثل طرح‌های پودمانی و یا علمی - کاربردی نیز ایجاد شود.

■ در هر صورت، ۸ هزار ناشر - چه حرفه‌ای، چه آماتور و چه کم فعال و یا غیرفعال - مجوز فعالیت نشر گرفته‌اند. با این تعداد ناشر، وجود این همه ناشر مؤلف در سال نیز آمار زیادی می‌باشد. در حالی که گروه مؤلف ناشر از هیچ یک از تسهیلات دولتی نیز بهره‌مند نمی‌شوند و در توزیع کتاب مشکل دارند. آیا اتحادیه برای پدیده خود ناشری تاکنون بررسی‌هایی داشته و یا اینکه طرح‌ها و برنامه‌هایی برای رفع و حل این معضل ارائه داده است؟

□ پدیده خود ناشری در همه جای دنیا وجود دارد و عده‌ای از مردم کتاب‌هایشان را با هزینه شخصی خود منتشر می‌کنند. بنابراین افرادی ندارد که کسی کتاب خودش را منتشر بکند، ولی در ایران گسترش بیشتری یافته که گاه به دلیل حمایت‌هایی است که دولت ارائه می‌کند. با اینکه به طور رسمی اعلام می‌شود که از این افراد حمایت نمی‌شود، ولی در هر صورت عده‌ای از خود ناشران از تسهیلات دولتی سود می‌برند. یادم هست که در سال‌های ۷۳ یا ۷۴ که روی طرح معافیت مالیاتی مطالعه می‌کردیم، در آمار تولید کتاب دیدیم که ۷ درصد از کتاب‌ها توسط خود نویسندگان به صورت ناشر مؤلف منتشر شده و این نسبت بسیار زیاد و معنی‌دار است. آن موقع به

زیاد و تخفیف ویژه، گاه ۳۰ تا ۴۰ درصدی سبب می‌شود که افراد کتابخوان و خانوارها نیاز چندین ماهه و حتی سالانه خود را در همین نمایشگاه‌ها تأمین کنند. این افراد دیگر ضرورتی برای خرید کتاب در کتابفروشی شهر نمی‌بینند، و این کتابفروشی از دریافت کمترین مقدار فروش و سود باز می‌ماند که در یک پروسه درازمدت، تعطیل و یا تبدیل به فعالیت جانبی مثل نوشت‌افزار می‌شود.

بنابراین دولت باید اجازه دهد که اقتصاد بازار نشر در بستر اصلی و با قیمت‌های اصلی حرکت بکند تا تمام طرف‌ها براساس یک قیمت واقعی کارهای اقتصادی خود را انجام دهند و در آن بخشی که منافع مصرف‌کننده و بخصوص منافع اقشار کم درآمد مطرح می‌شود، اینجا دیگر وظایف دولت مطرح است؛ خدمات همگانی دولت باید طوری باشد که هر مصرف‌کننده با هر سطح درآمدی بتواند نیازهای خود به کتاب را مرتفع سازد، از جمله همان روش افزایش و تجهیز کتابخانه‌های کشور. بنابراین تمام کسانی که کتاب می‌خرند، با این الگو و سازوکار باید به قیمت روز خریداری بکنند و تمام کسانی که می‌خواهند کتاب بخوانند ولی درآمدشان اجازه خرید کتاب را نمی‌دهد، دولت باید با افزایش کتابخانه‌های عمومی شهری و روستایی، دانشگاهی، مدارس و مساجد، کتاب را با ارزاترین روش و در سریعترین زمان در دسترس آنها قرار دهد.

در یک جمع‌بندی کلی، اقتصاد نشر باید در اقتصاد بازار باشد، کمک دولت به اقشار کم درآمد هم اثربخش است. حمایت از بخش نشر، باید با منافع ملی و ایجاد یک بازار رقابتی همسو باشد.

■ هم‌اکنون شاید بیش از ۸ هزار ناشر در کشور، مجوز نشر دارند. خیلی از این ناشران فعالیت‌های آماتوری دارند و تا رسیدن به فعالیت حرفه‌ای باید راهی طولانی را بیمایند. جالب اینکه تعدادی از این ناشران حتی به مقوله‌ای که مجوز گرفته‌اند چندان آگاهی و آشنایی ندارند. اتحادیه با توجه به رویکردی که در زمینه بالندگی نشر کشور دارد، در زمینه آموزش و به روزرسانی و رشد کیفی فعالان حوزه نشر و بویژه ناشران جدید چه برنامه‌هایی تدارک دیده است؟

□ اساساً بیش از ۷۰ درصد ناشران دارای مجوز، فعال نیستند، چنانچه نزدیک به ۳ هزار تای آنها در سال فقط یک عنوان کتاب در سال منتشر کرده‌اند. چنان که خود مسئولان عنوان می‌کنند، ۱۵۰ تا ۲۰۰ ناشر حرفه‌ای در کشور فعال هستند. تعداد ۸ هزار ناشر با هدف



در برنامه چهارم نیز به صورت قانون آمده است و سازمان توسعه تجارت نیز همکاری‌های لازم را به عمل می‌آورد.

□ پیشنهاد اتحادیه در بسیاری از موارد این بوده که خود اقدام بکند. بیشتر پیشنهادها باید توسط دولت پیگیری و اجرا شود، بویژه در بخش حمایت و نظارت که فقط در اختیار دولت است. در بعضی موارد هم اتحادیه فقط همراهی قانون و همکاری دستگاه‌های دولتی را طلب می‌کند، ولی خود اقدام‌کننده اصلی است. یکی از برنامه‌های آینده، تشکیل صندوق قرض‌الحسنه و اعتباری صنف نشر است که اقدامات لازم را در بعضی از زمینه‌ها انجام دادیم، ولی اکنون به دلیل نابسامانی‌ها در بعضی از صندوق‌های قرض‌الحسنه، مقررات بانک مرکزی اجازه تشکیل این صندوق‌های قرض‌الحسنه را نمی‌دهد و ما که می‌خواهیم فعالیت خود را قانونی انجام بدهیم در این زمینه متوقف شده‌ایم.

هم‌اکنون در تهران و شهرستان‌ها کتابفروشی می‌خواهد از ناشر و یا موزع، کتاب بخرد، ولی ناشر یا موزع به دلیل اینکه قبلاً تجربه مناسبی از فروش کتاب به کتابفروشی‌های شهرستانی نداشته، از دادن کتاب خودداری می‌کند. در واقع در اینجا تولید وجود دارد، تقاضا وجود دارد، ولی این دو باهم پیوند نمی‌خورد که علت عمده آن نداشتن اطمینان است. صندوق‌ضمانت از کتابفروشی‌های تهران و شهرستان - در قالب عضو - تعهدات لازم را می‌گیرد، از سوی دیگر، ناشر یا موزع هم - به عنوان عضو - تعهدات لازم را انجام می‌دهد و بدون اینکه ناشر یا موزع، شناخت مناسبی از فلان کتابفروشی شهرستان داشته باشد، به صرف اینکه این اعتماد را صندوق ضمانت در اختیار

این رسیدیم که یارانه کاغذ در چاپ یک کتاب توسط خود مؤلف نقش داشته است. یعنی چون چاپ کتاب ارزان تمام می‌شود، یک تعداد از نویسندگان تشویق شدند که خودشان کتاب خود را منتشر کنند. پدیده دیگر در کنار خود ناشری این است که ناشرانی در کشور وجود دارند که با پول نویسندگان، و کتابشان را منتشر می‌کنند. ناشر در واقع کسی است که فقط پروانه نشر دارد، پول می‌گیرد و کتاب را منتشر می‌کند. این مقوله در شعر بیشتر اتفاق می‌افتد. فکر می‌کنم اگر قیمت‌ها واقعی شود، این پدیده از بین می‌رود یا کمتر می‌شود؛ چون هزینه تولید کتاب افزایش پیدا می‌کند، ناشران در کارشان حرفه‌ای تر می‌شوند و اهل قلم حرفه‌ای تربیت شده و پا به عرصه نویسندگی می‌گذارند. در دنیایی که افراد حرفه‌ای با ناشران حرفه‌ای کار می‌کنند، این اتفاقات کمتر می‌افتد. علت فراوانی این پدیده وجود نویسندگان و ناشران غیرحرفه‌ای در این بازار است. با منطقی شدن قیمت‌ها، کمتر شاهد چنین پدیده‌ای خواهیم بود، ولی این مقوله صفر نمی‌شود، چون در هر صورت یک عده‌ای که حاضرند با هر قیمتی کتابشان را منتشر کنند و این پدیده در همه کشورها وجود دارد.

■ به نظر می‌رسد بسیاری از مواردی که اتحادیه در ۱۸ محور به دولت پیشنهاد داده، خود می‌تواند انجام دهد و برگردن دولت نگذارد؛ مثل صندوق اعتباری و یا صندوق ضمانت که به همت و تلاش خود اتحادیه بستگی دارد و به نظر می‌رسد که بسترهای قانونی هم وجود دارد. برای نمونه، صندوق ضمانت، توسط بخش غیردولتی که

قرار می‌دهد، ناشر یا موزع با کتابفروشی وارد معامله می‌شود؛ یعنی مانع وصل شدن عرضه و تقاضا برداشته می‌شود و تاحد زیادی مشکل توزیع حل می‌شود.

□ بند «ب» ماده ۱۰۴ قانون برنامه چهارم توسعه به دولت این اجازه را داده است که از تشکیل صندوق‌های غیردولتی ضمانت در عرصه تولید، توزیع و صادرات کالاهای فرهنگی و هنری حمایت کند. در واقع شما هم‌اکنون پشتیبانی قانون را برای ایجاد صندوق غیردولتی ضمانت دارید و به نظر من دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز پشتیبان شما و اصناف فرهنگی و هنری خواهد بود تا چنین صندوق‌هایی شکل بگیرد. اینجاست که بنده اعتقاد دارم در بعضی از زمینه‌ها که بسته‌های قانونی وجود دارد، اتحادیه می‌تواند خودش اقدام کند.

■ به عنوان آخرین پرسش، اتحادیه با سابقه طولانی، فعالیت‌های اثرگذار و شناخته شده در صنعت چاپ و نشر، چه برنامه‌هایی برای بالندگی صنعت چاپ و نشر کشور در آینده دارد. در چه عرصه‌های جدیدی می‌خواهد وارد شود. آیا استراتژی‌ها و سیاست‌های اتحادیه تدوین شده است؟

□ ما برنامه‌ای پیش از انتخابات اتحادیه اعلام کردیم، ولی فکر می‌کنیم اتحادیه اگر این توانایی را داشته باشد که در این دوره سمت‌گیری بکند تا مباحث را به سمت سالم‌سازی در همسوکردن منافع صنعت با منافع ملی بسترسازی ایجاد شرایط برابر برای رقابت، رفتن به سمت اقتصاد بازار در حوزه نشر و بردن درخواست‌های اهالی نشر در چارچوب منافع ملی، پیش ببرد کار بسیار مهمی انجام داده است. اگرچه امکاناتی که در اختیار اتحادیه برای این کار وجود دارد، چندان زیاد نیست. یعنی چارچوب مقررات صنفی اجازه یک کار کاملاً سندیکایی را به اتحادیه نمی‌دهد، مگر اینکه اتحادیه‌ها اراده داشته باشند تا اهداف سندیکایشان را در همان چارچوب قوانین و مقررات کنونی پیش ببرند.

■ سیاست‌گزارم از اینکه فرصت گفت‌وگو با اتحادیه را در اختیارمان قرار دادید.

پی‌نوشت:

* محورهایی که برای بازنگری در سیاست‌های حمایتی و نظارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توسط اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به همراه شرکت تعاونی ناشران تهران به دولت پیشنهاد شده است:

۱. تخصیص کاربری فرهنگی برای مؤسسات نشر کتاب، کتابفروشی‌ها و موسسات پخش کتاب.

۲. کاهش تعرفه‌های برق، گاز، پست، بیمه

۳. حذف مالیات از کتابفروشی‌ها، مؤسسات نشر کتاب و مؤسسات پخش کتاب (اصلاح قانون موجود)

۴. اصلاح سیاست‌های خرید کتاب - توسط هیأت خرید کتاب‌های خریداری شده از هر ناشر در نشریه «کتاب هفته»

۵. اصلاح شیوه خرید کتاب توسط هیأت امنای کتابخانه‌های

عمومی کشور

۶. انطباق (برداشتن ممیزی پیش از چاپ) ممیزی کتاب با اصول قانون اساسی (اصل ۲۴).

۷. کاهش تصدی‌گری دولت در همه عرصه‌های صنعت نشر و صنعت چاپ.

۸. ارتقای نقش نهادهای صنفی صنعت نشر و صنعت چاپ و مشارکت دادن آنها در تصمیم‌سازی و تعیین سیاست‌ها.

۹. ایجاد فرصت برابر در میان بخش خصوصی صنعت نشر، و نیز میان بخش خصوصی، بخش عمومی و بخش دولتی.

۱۰. اصلاح نحوه برگزاری نمایشگاه‌های کتاب استانی، ملی، محلی و بین‌المللی در ایران و خارج کشور، به نحوی که نقش نهادهای صنفی در سیاست‌گذاری و تصدی‌گری، افزایش و نقش دولت و بخش عمومی کاهش یابد و کمترین زیان به کتابفروشی‌های بخش خصوصی وارد شود.

۱۱. به روزآوری قانون کپی‌رایت ملی در پیوند و هماهنگی با قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی کپی‌رایت و فراهم کردن مقدمات پیوستن دولت ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی کپی‌رایت.

۱۲. اصلاح مقررات واردات و صادرات کتاب، کاهش تعرفه‌های حمل و نقل گمرکی.

۱۳. ساماندهی سه بخش صنعت نشر از طریق اصلاح قوانین و مقررات صنفی به منظور حمایت از کتابفروشی‌ها، مؤسسات پخش و مؤسسات تولید کتاب. به نحوی که همه بنگاه‌های فعال در سه بخش مذکور امکان عضویت در نهادهای صنفی خود را داشته باشند.

۱۴. تأسیس صندوق قرض‌الحسنه یا مؤسسه اعتباری صنعت نشر.

۱۵. تأسیس صندوق ضمانت تجارت کتاب به منظور تسهیل امر توزیع و فروش کتاب توسط «اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران» و سایر نهادهای صنفی، بدون تصدی‌گری دولت.

۱۶. تهیه بانک و کتاب اطلاعات صنعت نشر و انتشار «کتاب زرد» یا «اطلس فرهنگی ایران» به منظور اصلاح نظام توزیع کتاب.

۱۷. راه‌اندازی نظام آموزش همکاران بخش‌های سه‌گانه صنعت نشر با کمک وزارت علوم و آموزش عالی و سایر نهادهای ذی‌ربط.

۱۸. افزایش تعداد کتابخانه‌های عمومی، محلی، تخصصی در سطح کشور.

«اتحادیه و شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان ایران»، از کلیه شرکت‌های تعاونی استان‌ها و انجمن‌ها و نهادهای صنفی ناشران و کتابفروشان و موزعان و همه فعالان صنعت نشر کشور دعوت می‌کنند، نقطه نظرهای اصلاحی و تکمیلی خود را در این مورد، برای این اتحادیه ارسال دارند. اعضای هیأت مدیره شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان تهران عبارتند از: داوود رمضان شیرازی، جلال فهیم هاشمی، داود موسایی، سیدرفیع احمد جواهری و اعضای هیأت مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران نیز عبارتند از حسن کیانیان، علیرضا رضانی، سیدرضا یکرنگیان، جعفر همایی و علی جعفریه.